

صراط



جهانی شدن، اسم خیلی فشنگی است و هر کشوری فکر می کند بازارهای جهانی به رویش باز می شود، اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک بیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد.

امروز «جهانی شدن» یا به تعبیر دقیق‌تر «جهانی‌سازی» یکی از مسائل مهم و مورد بحث در دنیاست؛ هر چند توریسین‌های وابسته به قدرت‌های سلطه‌گر جهانی تلاش می‌کنند جهانی شدن را به‌عنوان پدیده‌ای جذاب به بشریت و به‌خصوص ملت‌ها و دولت‌های مستقل معرفی کنند: «امروز تنوریسین‌ها و تبلیغاتی‌های غربی درصددند خط را بتجاع به غرب – خط برگشت به همان تحمیل‌پذیری غربی – را دوباره برگردانند… تحت‌عنوان یک تنوری شبیه روشنفکرانه، به‌عنوان یک حرف‌نو، تنوری جهانی شدن.» اما حقیقت این است

بررسی پیامدهای اقتصادی – سیاسی جهانی سازی

استثمار؛ هدف نهان و نهایی جهانی شدن

تحلیل



جهانی شدن اقتصاد سرمایه‌داری و به ویژه امور مالی، نمودهای خود را از قبل، یعنی از آغاز قرن بیستم نشان داده بود و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تحلیل‌های بسیاری در مورد شاخص‌های آن درباره توسعه مفهوم اقتصاد جهانی صورت گرفت. در واقع پدیده مزبور جدید نیست. آنچه جدید است، شتاب مشخص آن در دهه‌های ۲۰، به ویژه ۸۰ است. چنانچه در سال‌های اخیر، افزایش تبادُل کالا، خدمات، سرمایه و فناوری به حدی بود که منجر به تغییرات وسیعی در نحوه توزیع قدرت تصمیم‌گیری در

اقتصاد جهانی شده است. در ارتباطات جدید قدرت، الگوهای ملی‌ناگزی بر از تطبیق خود با نیازهای جدید جهانی شدن هستند. بدیهی است که با خودداری از به کار بردن دو پسوند «سرمایه داری» و «مدرنیسم» در باره جهانی شدن و جهانی‌سازی، بحث‌ها و بررسی‌ها از دایره کلیات مبهم بیرون نمی‌رود و در عالم اقتصاد و جامعه‌شناسی، بررسی‌هایی که عام، کلی و مبهم باشند علمی تلقی نمی‌شود. درباره جهانی‌سازی هم می‌توان توجه داد که انکشاف شیوه تولید سرمایه‌داری، مانند حرکت

مهم‌ترین اصول خصوصی‌سازی، تشویق و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی است. واقعیت آن است که با توجه به رشد شتابان تکنولوژی در شرایط کنونی، تکنولوژی‌ها به سرعت مزیت خود را از دست می‌دهند و اگر کشوری خود به منبع شکل‌گیری تکنولوژی تبدیل



نکته مهمی که در خصوص جهانی شدن باید به آن اشاره کرد این است که اگر در مقطعی از تاریخ این مدرنیته بود که به مثابه ایدئولوژی مغرب‌زمین کارگر بود، امروز این پست‌مدرنیسم است که به مثابه صور تینسدی فکری جهان غرب و نظام سرمایه‌داری عمل می‌کند.به عقیده دیوید هاروی، جهانی شدن برای سرمایه‌داری، پدیده جدیدی نیست لیکن پسامدرنیته انعطاف‌پذیر در پاره‌رانه شدت یافتن تراکم و فشردگی زمانی – فضایی است که در واقع ویژگی آن محسوب می‌شود



اندیشه

جهانی شدن: شرکت سهامی استعمارگران

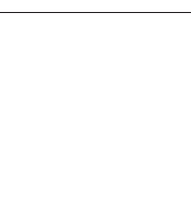
که: «جهانی شدن، گفتمان واقع‌بینی، گفتمان پیوستن به نظم نوین جهانی؛ یعنی سیاهی لشکر امریکا شدن! این جهانی شدن، اسمش جهانی شدن است، اما باطنش امریکایی شدن است. جهانی‌سازی‌ای که شبکه سرمایه‌داری جهانی، مطرح و دنبال می‌کند یعنی یک مجموعه از قدرت‌های جهانی؛ عمدتاً همان کسانی که استعمارگران دیروز دنیا بودند؛ چند کشوری که درصددند فرهنگ و اقتصاد و عادات و آداب خودشان را به همه دنیا گسترش دهند؛ یک شرکت سهامی درست کنند که ۹۵ درصد سهمش در واقع مال آنهاست.»

هدایت جهانی‌سازی بر عهده طبقه «زرسالاران اقتدارطلب» است که هدفشان سیطره بر منافع حیاتی همه دنیاست: «شغالگر، یک طبقه اجتماعی است؛ طبقه‌ای که دولت امریکا و دولت‌های دیگر را به قدر توانایی و قدرت خود و آمادگی آنها دارد هدایت می‌کند… هدایت، هدایت، یک دولت نیست؛ هدایت یک

مجموعه طبقاتی است که اگر بخواهیم در یک عبارت برای اینها اسم معین کنیم، باید بگوییم «زرسالاران اقتدار طلب.» هدفشان هم سسطره بر منافع حیاتی و مالی همه دنیاست. البته این سطره، یک الزامات سیاسی دارد که همان نظم نوین جهانی است؛ یک الزامات علمی و اداری

دارد که به تدریج خود را به آن نزدیک می‌کنند. مسئله جهانی‌سازی که امروز در تجارت، پول، فرهنگ و شبکه‌های فرهنگی – مثل اینترنت و مانند آن – مطرح است، همه دانسته و نادانسته در خدمت این مجموعه طبقاتی است.

بر گرفته از مجموعه فرمایشات رهبر معظم انقلاب



مجموعه طبقاتی است که اگر بخواهیم در یک عبارت برای اینها اسم معین کنیم، باید بگوییم «زرسالاران اقتدار طلب.» هدفشان هم سسطره بر منافع حیاتی و مالی همه دنیاست. البته این سطره، یک الزامات سیاسی دارد که همان نظم نوین جهانی است؛ یک الزامات علمی و اداری

دارد که به تدریج خود را به آن نزدیک می‌کنند. مسئله جهانی‌سازی که امروز در تجارت، پول، فرهنگ و شبکه‌های فرهنگی – مثل اینترنت و مانند آن – مطرح است، همه دانسته و نادانسته در خدمت این مجموعه طبقاتی است.

بر گرفته از مجموعه فرمایشات رهبر معظم انقلاب

اگر کشوری خود به منبع شکل‌گیری تکنولوژی تبدیل نشود، همواره باید به دنبال جذب تکنولوژی بگردد. اگر در شرایط کنونی تکنولوژی پیشرفته‌ای به دست سرمایه‌گذار خارجی وارد شود، علاوه بر افزایش بیکاری در صورتی که سرمایه‌گذار بعد از مدتی قصد خروج از کشورها را داشته باشد، چیزی جز یک تکنولوژی کهنه‌ر ابر جای نخواهد گذاشت. مگر آنکه کشور‌های اصطلاحاً جهان سوم از سرمایه‌گذاران خارجی تقاضای اقامت دائم داشته باشند تا بلکه به واسطه حضور آنها از مزیت تکنولوژی پیشرفته بر خوردار شوند. در این صورت نیز سرمایه‌گذار خارجی هیچ‌گاه از مزیت خود را به این کشورها از رانی نخواهد کرد، چرا که سرمایه‌گذار به خوبی می‌داند که در سایه مزیت تکنولوژی، در منابع طرح‌ها به عنوان سهیم‌و شر یک اصلی پذیرفته شده‌است

نیروهای طبیعی نیست، بلکه اراده آگاه انسانی در چگونگی این انکشاف دخالت داشته و دارد. طبقه حاکم و مالک در جوامع سرمایه‌داری، شرکت‌های فرا ملی سرمایه‌داری و… عوامل عمده جهانی‌سازی سرمایه‌داری‌اند. در کنار همه بوق‌های گسترده تبلیغاتی که روزانه بر تعجیب جهانی شدن می‌دهند و فارغ از پروپاگاندا ی پر حجم سرمایه‌داری جهانی در ترویج پروژه خود، شاید بررسی پیامدهای جهانی شدن کشورهای در مسیر توسعه، به فهم ماهیت حقیقی جهانی شدن در عصر حاضر کمک کند.

نشود، همواره باید به دنبال جذب تکنولوژی بگردد. اگر در شرایط کنونی، تکنولوژی پیشرفته‌ای به دست سرمایه‌گذار خارجی وارد شود، علاوه بر افزایش بیکاری در صورتی که سرمایه‌گذار بعد از مدتی قصد خروج از کشورها را داشته باشد، چیزی جز یک تکنولوژی کهنه‌را بر جای نخواهد گذاشت مگر آنکه کشورهای اصطلاحاً جهان سوم از سرمایه‌گذاران خارجی تقاضای اقامت دائم داشته باشند تا بلکه به واسطه حضور آنها از مزیت تکنولوژی پیشرفته بر خوردار شوند. در این صورت نیز سرمایه‌گذار خارجی هیچ‌گاه مزیت خود را به این کشورها از رانی نخواهد کرد، چرا که سرمایه‌گذار به خوبی می‌داند در سایه مزیت تکنولوژی، در منابع طرح‌ها به عنوان سهیم و شریک اصلی پذیرفته شده است. به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاری خارجی باعث وابستگی هرچه بیشتر حاکمیت کشورها به سرمایه‌های جهانی و همچنین تحمیل بار بدهی‌ها و عدم استقلال کشورها بر دوش آنها خواهد بود. وابسته کردن ارزش پول ملی به دلار باعث گران شدن صادرات و سرریز شدن واردات ارزان به کشورهای جهان سوم می‌شود که این امر موجب تعطیلی کارخانه‌ها، بیکاری فزاینده و بالا رفتن بدهی‌های خارجی می‌شود و جریان آزاد سرمایه به کمبانی‌های خارجی اجازه می‌دهد تا سودها را به خارج منتقل و دروازه‌های را برای شرکت‌های فراملیتی باز کنند

مالکیت پذیرهای اصلاح شده را که تحت حقوق مالکیت معنوی در WTO به رسمیت شناخته شده است به دست آوردند. موافقتنامه‌هایی که کشورها باید امضا کنند، آنان را از ذخیره هر نوع دانه برای جایگزینی یا واگسذاری این دانه‌ها به اشخاص دیگر منع می‌کند. مزاع آنها باید دائماً از جانب نمایندگان شرکت مورد بازرسی قرار گیرد و در صورت مشاهده تخلف از موافقتنامه، ۱۲ برابر اجاره تکنولوژی باید جریمه بپردازد. تنها در سال ۱۹۹۹، شرکت‌های بیوتکنولوژی مبادرت به ۵۲۲ مورد شکایت قانونی علیه متخلفان کرده و از آنها جریمه دریافت کرده‌اند. این همه در حالی است که طبق آمارهای سازمان تجارت جهانی، کشورهای شمال آمریکا و کشورهای اروپایی سالانه طبق موافقتنامه‌ها ۲۴۵ میلیارد دلار به کشاورزان خود بارانه می‌دهند و در همان زمان طبق تصویبنامه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، کشورهای دیگر از پرداخت یارانه به کشاورزی منع می‌شوند و پرداخت هرگونه وامی را مشروط به عدم پرداخت سوسید به بخش کشاورزی می‌کنند. فیدل کاسترو، رهبر متوفی کوبا، جهانی شدن را نه جهانی شدن توسعه بلکه جهانی شدن فقر می‌داند و جهانی شدن را نه احترام به حاکمیت ملی کشورهای در حال توسعه بلکه نقض آن می‌داند. او در نطق خود در جلسه افتتاحیه اجلاس جنوب که در ۱۳ آوریل ۱۹۹۰ تشکیل شده بود با ذکر آمار و ارقامی روشن، عملکرد شکست اقتصادی دیدگاه‌های امپریالیسم نو را نشان داد. وی اعلام کرد رشد اقتصاد جهان در سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۸ معادل نصف رشدی بود که در فاصله سال‌های

هاروی مطرح می‌کنند و آنها نیز مانند هاروی پسامدرنیسم اصطلاحی می‌دانند که به گونه‌ای مفید ویژگی‌های زندگی معاصر را بیان می‌نماید، لش و پوری در همین زمینه به مقوله مصرف به عنوان منشی بر جسته در سرمایه‌داری معامله تأکید می‌ورزند. به نظر آنها مصرف و صنایع خدماتی بیش از سرمایه مالی بیابگر ویژگی‌های سرمایه‌داری غیر سازمان یافته بوده و بنابراین هسته مرکزی‌اش است.

■ هزینه‌های جهانی شدن

یکی از تجاوزات متداول نظام مدرنیستی و سرمایه‌داری غرب جهت مکیدن خون ثروت‌های مردم جهان، استثمار دهقانان توسط سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ محلی و ملی است. طبقات حاکم و دولت‌های وابسته به استثمار (سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ) از محل فروش محصولات کشاورزی در خارج از کشور، ارز لازم برای وارد کردن کالاهای مصرفی و تسلیحات را به دست می‌آورند، لذا اصرار دارند تولید کشاورزی متوجه صادرات شود و در جهت پاسخگویی به تقاضاهای بازار جهانی سرمایه‌داری توسعه یابد. ورود کالاهای واسطه‌ای یا سرمایه داری، تنها در جهت سیاست اقتصادی طبقه حاکم، برای رفع احتیاجات کالایی ارزی و سرمایه‌داران، ثروتمندان و زمین‌داران بزرگ محلی و ملی است، نه برای رشد اقتصادی بنیادی کشور عقب‌نگه داشته شده؛ به عبارت دیگر دهقانان کشورهای عقب‌نگه داشته شده، به طور عمده مخارج زندگی تجملی و عیاشی‌های طبقه حاکم وابسته به استثمار را با کار و کوشش خود می‌پردازند. از جمله دیگر عوارض و پیامدهای



جهانی سازی، بار سنگین قروض و بدهی‌هایی است که بر دوش کشورهای جهان سوم سنگینی می‌کند. قروض کشورهای عقب‌نگه داشته شده به مؤسسات مالی خصوصی و دولتی کشورهای سرمایه‌داری، مرتباً افزایش می‌یابد. اصولاً اعتبار قرضی که از طرف مؤسسات خصوصی و دولتی کشورهای سرمایه‌داری استعماری به طبقه حاکم وابسته به استثمار کشورهای عقب‌نگه داشته داده می‌شود، به طور عمده مصرف پرداخت کسری موازنه تجارت خارجی، خرید اسلحه، اجرای برنامه‌های صنعتی و کشاورزی به منظور بازسازی برای کالاهای خارجی می‌گردد. بنجامین شوارتز و کریستوفر لاین مداخلات امریکارا در بالکان در بستر منافع اقتصادی امریکا و پروژه جهانی سازی بررسی کرده‌اند:«جنگ هوایی در صربستان صرفاً آخرین تلاش واشنتن، در ایجاد امنیت جهانی برای سرمایه‌گذاران و صادرکنندگان است. سال ۱۹۹۹، وزیر دفاع امریکا– ویلیام کوهن – در سخنرانی اتاق بازرگانی بوستون، از بیسط ناتو به عنوان یک شیوه در گسترش امنیت و ثبات در اروپای مرکزی سخن گفت که پیش‌تر اروپای غربی پس از جنگ جهانی دوم بر خوردار بوده و با گسترش این ثبات، دور نمای برای جذب سرمایه‌گذاری به‌وجود می‌آید.»

طبق تحقیقات مجله لوموند دیپلماتیک، کوزوو بیش از ۱۰ سال آماج ستماکاری بلغراد بود ولی امریکایی‌ها و به تبع آنها کشورهای اروپایی، در این مقطع به خصوص برای توجیه سرکوب یوگسلاوی و اشغال کوزوو به یکباره خبر از کشتار ۵۰۰ هزار، ۱۰۰ هزار و ۱۰ هزار مسلمان به‌دست صرب‌ها دادند تا حمله همه‌جانبه ناتو علیه یوگسلاوی را توجیه کنند. در این حملات افراد بی‌دفاع قربانی شدند و کنوانسیون ژنو نقض گردید ولی زمانی که دیوان جنایی بین‌المللی گزارش خود را تکمیل کرد خبر از ۲ هزار و ۱۰۸ جسد که به طور انفرادی کشته شده بودند داد. در حالی که از تیزروهای صرب هم تعداد چند صد نفر کشته شده بودند. بررسی فروش تسلیحاتی نیز مهم است. از میان ۲۴ کشور که دست‌کم، دستخوش یک جدال مسلحانه در سال ۱۹۹۷ بودند، امریکا به ۲۱ کشور با سلاح فرخت یا آموزش‌های نظامی را اختیار شان گذاشت. به گفته آن میک سنیزوود: «اگر امپریالیسم کنونی به روشنی با سلطه مستقیم مستعمرات، خود را نشان نمی‌دهد، به معنای آن نیست که کمتر از نوع قدیمی آن نظامی گراست. به بقین جهان به این دلیل که اصول قدیمی فتوحات نظامی جانی خود را به ابزارهای کمتر خشونت‌آمیز سلطه تجاری و مالی نظیر پروژه جهانی‌سازی اقتصاد داده‌اند، آرام‌تر از گذشته نیست، بر عکس نیروی نظامی هنوز در پروژه امپریالیستی نقش مرکزی دارد و از برخی لحاظ حتی بیشتر از گذشته اما اکنون به شیوه‌های متفاوت و باهدافی متفاوت به کار گرفته می‌شود.»

۱۹۴۵ تا ۱۹۷۵ در جهان به دست آمده است. بعد از جنگ جهانی دوم، امریکای لاتین هیچ بدهی نداشت، لیکن امروز هزار میلیارد دلار بدهی دارد. او تأکید کرد تجارت جهانی، هم اینک در دست کشورهای ثروتمند، ابزاری است برای سلطه، که در روند جهانی شدن امپریالیسم نو به نحوی فزاینده به عنصر مؤثری برای تعدیل و تشدید نابرابری‌ها تبدیل خواهد شد. پاپ ژان پل دوم رهبر پیشین کاتولیک‌های جهان در مجمع سالانه واتیکان اظهار داشت:«جهانی‌سازی نباید شکل تازه‌ای از استثمار باشد، بلکه باید به نوع فرهنگی احترام بگذارد. در اصل اخلاقی جدایی‌ناپذیر باید مورد احترام قرار گیرد: ارزش آزادیگی افراد بشر و ارزش فرهنگ‌ها که هیچ قدرت خارجی حق نابود کردن آن را ندارد.»

■ گذار جهانی سازی از اندیشه مدرن به «پست‌مدرن»

نکته مهمی که در خصوص جهانی شدن باید به آن اشاره کرد این است که اگر در مقطعی از تاریخ این مدرنیته بود که به مثابه ایدئولوژی مغرب زمین کارگر بود، امروز این پست‌مدرنیسم است که به مثابه صورت‌بندی فکری جهان غرب و نظام سرمایه‌داری عمل می‌کند. به عقیده دیوید هاروی، جهانی شدن برای سرمایه‌داری، پدیده جدیدی نیست، لیکن پسامدرنیته انعطاف‌پذیر در پاره‌رانه شدت یافتن تراکم و فشردگی زمانی – فضایی است که در واقع ویژگی آن محسوب می‌شود. به نظر هاروی، پسامدرنیسم به جای پدیده تبعی و محصول فرعی مرحله جدیدی از شیوه تولید سرمایه‌داری است که نه بر کالاهای تولید شده بلکه بر مصرف سریع نشانه‌ها و خدمات متکی است. پسامدرنیسم، منطق فرهنگی سرمایه‌داری متأخر است و تولید فرهنگی به نحو فزاینده‌ای جذب تولید کالا شده و این امر به حساسیت زیباشناختی جدیدی منجر گردیده است. جست‌وجوی بی‌پایان برای بازارهای جدید، تغییر سریع کالاها و دستکاری مداوم سلیقه‌ها دوران سازندگی در ایران نمی‌شود، بلکه در کشور هندوستان نیز در نتیجه خصوصی‌سازی و با توجه به نفوذ علم مهندسی ژنتیک در زمینه رشد بذور تحت شعار «غذا، سلامت و امید» و پرداخت ۲۰ میلیون دلار از این بابت، کارخانه‌های سازنده قارچ کش‌ها، صنایع سازنده هورمون‌های رشد گوسفندها و شرکت‌های تأمین‌کننده آب باروش‌های مدرن آخرین بقایای انقلاب سبز را به نابودی کامل کشیدند و بیش از ۵۰ درصد زمین‌های کشاورزی هندوستان از نظر اکولوژی تخریب شده‌اند. خانم واندان شیوا که یک متخصص فیزیک هسته‌ای و طرفدار محیط زیست و رهبر مخالفان شرکت مونسانتو (تولیدکننده بذور گیاهی) است، می‌گوید: «اگر محصولات ژنتیکی (بذر گیاهی) توسط شرکت‌های بزرگ ارائه شدند، دیگر کشاورزان، مانند دیگر زارعان هند موقوف و تحت‌تصرف برای مونسانتو تنها سود مطرح است، اما این روند برای کشاورزان دو راهی مرگ و زندگی است.» در سایه جهانی‌سازی و خصوصی‌سازی، شرکت‌های انحصاری توانسته‌اند